



Sociology of Education

Comparison the Effectiveness of Teaching Choice Theory and Inquiry Philosophy on Social Competence and Goal Orientation of Labor Children

Seyyed Khadijeh Jamali¹ , Seyyed Mosa Kafi^{2*} , Abbas Aboulghasemi³ , Bahman Akbari⁴ 

1. PhD student, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
2. Professor, Department of Psychology, University of Guilan, Faculty of Humanities, Rasht, Iran
3. Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.
4. Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

❖ **Corresponding Author Email:** mosakafie@yahoo.com

Receive: 2022/11/29
Accept: 2023/06/13
Published: 2023/07/23

Keywords:

Teaching Choice Theory, Teaching Inquiry Philosophy, Social Competence, Goal Orientation, Labor Children.

Article Cite:

Jamali Kh, Kafi M, Aboulghasemi A, Akbari B (2023). Comparison the Effectiveness of Teaching Choice Theory and Inquiry Philosophy on Social Competence and Goal Orientation of Labor Children, *Sociology of Education*. 9(2): 37-48.

Purpose: The forced labor for children has negative cognitive, social and emotional consequences. Therefore, the present study was conducted with the aim of comparing the effectiveness of teaching choice theory and inquiry philosophy on social competence and goal orientation of labor children.

Methodology: The current research was a semi-experimental with a pre-test and post-test design with a control group. The research population was the labor children of Rasht city in 2021 year. A number of 45 labor children were selected as a sample with using the available sampling method and were assigned in three equal groups by a simple random method with lottery, including the groups of teaching choice theory, teaching inquiry philosophy and control. The first experimental group received 8 sessions of teaching choice theory and the second experimental group received 10 sessions of teaching inquiry philosophy, and the control group did not receive any teaching. The research tools were included questionnaires of social competence (Felner, 2002) and goal orientation (Midgley et al., 1998) and its resulting data were analyzed by methods of univariate and multivariate covariance analysis and Bonferroni post hoc test in SPSS software.

Findings: The findings showed that teaching in both experimental groups in compared the control group led to increase social competence and goal orientation of tendency-mastery, avoidance-mastery, and tendency- performance in labor children ($P < 0.05$), but there was no significance difference between them in the goal orientation of avoidance-performance ($P > 0.05$). Also, there was no significant difference between the experimental groups of teaching choice theory and inquiry philosophy in terms of any of the variables of social competence and goal orientation ($P > 0.05$).

Conclusion: According to the results, to improve the social competence and goal orientation of labor children, it is possible to use the teaching methods of choice theory and inquiry philosophy.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.553973.1363>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1402.9.2.9.6>



Creative Commons: CC BY 4.0



جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف کودکان کار

سیده خدیجه جمالی^۱، سید موسی کافی^{۲*}، عباس ابوالقاسمی^۳، بهمن اکبری^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. استاد، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۴. استاد، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: mosakafie@yahoo.com

چکیده

مقاله تحقیقاتی

هدف: کار اجباری برای کودکان دارای پیامدهای منفی شناختی، اجتماعی و عاطفی است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف کودکان کار انجام شد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کودکان کار شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰ بودند. تعداد ۴۵ نفر از کودکان کار با روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب و با روش تصادفی ساده با کمک قرعه‌کشی در سه گروه مساوی شامل گروه‌های آموزش تئوری انتخاب، آموزش فلسفه کندوکاو و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش اول ۸ جلسه تحت آموزش تئوری انتخاب و گروه آزمایش دوم ۱۰ جلسه تحت آموزش فلسفه کندوکاو قرار گرفت و گروه کنترل آموزشی ندید. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های کفایت اجتماعی (Felner, 2002) و جهت‌گیری هدف (Midgley et al., 1998) بودند و داده‌های حاصل از آن با روش‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری و آزمون تعقیبی بونفرونی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آموزش در هر دو گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف تسلطی‌گرایشی، تسلطی‌اجتنابی و عملکردی‌گرایشی در کودکان کار شد ($P < 0.05$)، اما در جهت‌گیری هدف عملکردی‌اجتنابی بین آنها تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0.05$). همچنین، بین گروه‌های آزمایش آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو از نظر هیچ یک از متغیرهای کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف تفاوت معناداری وجود نداشت ($P > 0.05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج برای بهبود کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف کودکان کار می‌توان از روش‌های آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو استفاده کرد.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳
انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

واژگان کلیدی:

آموزش تئوری انتخاب، آموزش فلسفه کندوکاو، کفایت اجتماعی، جهت‌گیری هدف، کودکان کار

استناد مقاله:

جمالی خ، کافی م، ابوالقاسمی ع، اکبری ع. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف کودکان کار، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. ۹(۲): ۳۷-۴۸.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.553973.1363>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1402.9.2.9.6>



Creative Commons: CC BY 4.0

دوران کودکی یکی از مهم‌ترین دوران‌های زندگی هر شخصی است و گاهی کودکان به دلیل شرایط دشوار زندگی در معرض آسیب‌ها یا پیامدهای نامطلوب جسمی، جنسی، روانی و اجتماعی ناشی از کار قرار می‌گیرند (Tang and Zhao, 2023). کودکان کار به کودکان زیر ۱۸ سالی گفته می‌شود که در فعالیت‌های اقتصادی بازاری و غیربازاری مشارکت دارند و دستمزد دریافت می‌کنند (Churchill, Iqbal, Nawaz and Yew, 2021). طبق برآوردهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۳ درصد از کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله جهان کودک کار محسوب می‌شوند و در کشور ایران آمار دقیقی وجود ندارد، اما بر اساس منابع دولتی گزارش شده در سال ۱۳۹۵ تعداد کودکان کار ۲ میلیون نفر می‌باشد (Begjani, Khoshnavay Fomani, Mohseni and Rostami, 2022). پدیده کودکان کار یک مساله مهم اجتماعی است که آثار و پیامدهای منفی شناختی، اجتماعی و عاطفی زیادی را به همراه دارد و این کودکان جزء محروم‌ترین کودکان هستند که از بسیاری از حقوق خود محروم می‌باشند (Figueiredo and Lima, 2022).

یکی از مشکلات کودکان کار افت کفایت اجتماعی است که به توانایی اجرای موثر تعامل‌های اجتماعی با استفاده از توانمندی‌های شناختی، فرآیندهای عاطفی، مهارت‌های رفتاری، آگاهی اجتماعی و ارزش‌های شخصی و فرهنگی اشاره دارد (Okano, Jeon, Crandall, Powell and Riley, 2019). کفایت اجتماعی به‌عنوان یکی از سازه‌های بهداشت روانی شامل مجموعه مهارت‌هایی است که بر توانایی درک دیگران و برقراری ارتباط موثر با آنها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حفظ استقلال شخصی است (Caceres, Moreno, Roman and Palacios, 2021). این سازه به معنای داشتن مهارت‌های ارتباطی، همکاری، تعاملی و خودکنترلی در خانه، مدرسه و جامعه است که در دوران کودکی شکل می‌گیرد و در دوران نوجوانی رشد می‌یابد (Deneault, Cabrera, Ghosh, Tolle, Seethaler, Majdandzic and Reich, 2022). در تعریفی دیگر، کفایت اجتماعی به معنای توانمندی عمل به شیوه سازگارانۀ متناسب با سن و توانایی شناختی است که باعث سازگاری با موقعیت‌های جدید، چالش‌انگیز و تنش‌زا می‌شود (Lecce, Caputi, Pagnin and Banerjee, 2017). چهار مقوله اصلی کفایت اجتماعی شامل مهارت‌های شناختی (شامل مهارت و توانایی تصمیم‌گیری، قضاوت و یادگیری اطلاعات ضروری)، مهارت‌های رفتاری (شامل مهارت و توانایی شروع و تداوم مذاکره، ایفای نقش، جرأت‌مندی، کسب حمایت و رفتارهای صمیمانه با دیگران)، کفایت‌های هیجانی (شامل مهارت و توانایی نظم‌بخشی، کنترل و مدیریت برانگیختگی هیجانی، توانمندی عاطفی برای ارتباط مثبت با دیگران و ایجاد و گسترش اعتماد و روابط حمایتی دوجانبه) و آمیاه‌های انگیزشی (شامل ساختار ارزشی فرد، سطح رشد اخلاقی فرد و احساس کنترل، مدیریت و اثربخشی فرد) می‌باشد (Caprin, Benedan, Ballarin and Gallace, 2017). کفایت اجتماعی به افراد برای اداره و مدیریت موقعیت‌های مختلف کمک و سبب افزایش اعتماد به خود، رفاه اجتماعی، کیفیت دوستی، مسئولیت‌پذیری، پذیرش توسط گروه‌های همسالان و شایستگی شغلی می‌شود (Leung, Chan, Fan, Lam and Yau, 2019).

یکی دیگر از مشکلات کودکان کار افت جهت‌گیری هدف است که الگوی منسجمی از اسنادها، هیجان‌ها و باورهای فرد می‌باشد و باعث اتخاذ شیوه‌های متفاوت برخورد، درگیر شدن و پاسخ‌دهی به موقعیت‌های مختلف می‌شود (George and Richardson, 2019). جهت‌گیری هدف، اهدافی را که دانش‌آموزان هنگام یادگیری دنبال می‌کنند، منعکس می‌کند که به‌عنوان یک گرایش انگیزشی نسبتاً ثابت به رویکرد شایستگی وظیفه یا اجتناب از کار دیده می‌شود (Chen and Lin, 2018). این سازه یک چارچوب شناختی، اجتماعی و انگیزشی است که فرد را در تفسیر موقعیت‌ها، پردازش اطلاعات، رویارویی با تکلیف‌ها و مقابله با چالش‌ها هدایت می‌کند (Mammassis and Kostopoulos, 2019). جهت‌گیری هدف دارای دو بعد تعریف (معیارهای شایستگی تسلطی یا عملکردی) و جاذبه (گرایش یا اجتناب از شایستگی) است و بر همین اساس چهار نوع جهت‌گیری هدف وجود دارد (Shamim, Cang and Yu, 2017). جهت‌گیری‌های هدف شامل تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی، عملکردی گرایشی و عملکردی اجتنابی هستند. جهت‌گیری هدف تسلطی گرایشی بر یادگیری، درک بیشتر، توسعه مهارت‌ها و تسلط اطلاعاتی تمرکز دارد و چنین افرادی به دنبال یادگیری و بیشتر یادگرفتن هستند. جهت‌گیری هدف تسلطی اجتنابی بر اجتناب از عدم یادگیری، درک و فهم و پرهیز از شکست تمرکز دارد و چنین افرادی به دنبال اجتناب از کودن دیده شدن هستند. جهت‌گیری هدف عملکردی گرایشی بر تلاش برای برتری نسبت به دیگران و اثبات توانایی و موفقیت خود به دیگران تمرکز دارد و چنین افرادی به دنبال نشان دادن توانایی خود به دیگران و جلوزدن از آنها در فعالیت‌های مختلف هستند. جهت‌گیری هدف عملکردی اجتنابی بر اجتناب از شکست و پرهیز از مواجهه با قضاوت‌های منفی دیگران تمرکز دارد و چنین افرادی به دنبال اجتناب از عملکرد ضعیف در مقایسه با دیگران هستند (Janke and Dickhauser, 2019). در هدف تسلطی گرایشی افراد بر شایستگی خود از طریق تسلط بر تکالیف و دستیابی به مهارت‌های جدید تمرکز داشته و یادگیری را برای یادگرفتن دوست دارند، نه چیز دیگر. در هدف تسلطی اجتنابی شایستگی به صورت دستیابی کامل به تکلیف تعریف و این افراد برای اجتناب از شکست و خطا تلاش می‌کنند تا بر مطلب به صورت کامل تسلط یابند. در هدف عملکردی گرایشی افراد به دنبال نمایش شایستگی برتر و بیشتر خود نسبت به دیگران و دستیابی به

قضایات‌های مطلوب نسبت به پیشرفت‌ها و موفقیت‌های خود هستند. در هدف عملکردی اجتنابی افراد به واسطه اجتناب از نمایش شایستگی پایین‌تر از دیگران و قضایات‌های منفی درباره پیشرفت و موفقیت برانگیخته می‌شوند و به فعالیت می‌پردازند (Liu and Liu, 2020).

برای بهبود ویژگی‌های روانشناختی کودکان روش‌های مختلفی از جمله آموزش تئوری انتخاب (Fumagalli, 2020) و آموزش فلسفه کندوکاو (Humberto, Moura and Giannotti, 2022) وجود دارد. تئوری انتخاب توسط Glasser (1998) بر مبنای پنج نیاز اساسی پایه‌ریزی شد (Martin and Sloman, 2013) که بر اساس آن، افراد خودشان سرنوشت خود را انتخاب می‌کنند و هسته اصلی تئوری انتخاب مسئولیت‌پذیری و انتخاب‌های افراد است که فرد می‌تواند برای داشتن انتخاب‌های بهتر و مسئولیت‌پذیری بیشتر آموزش ببیند (Broda, Kruger, Schinke and Weber, 2018). بخش مهم دیگری از این نظریه، شناخت نیازها و نحوه ارضای آنها به شکل موثر می‌باشد که اگر افراد راه درست ارضای نیازهای خود را نیاموزند در زندگی دچار درد و رنج فراوان می‌شوند (Chiu, 2019). بر اساس نظریه انتخاب افراد با پنج نیاز اساسی شامل نیاز به عشق و تعلق، آزادی، قدرت، تفریح و بقا متولد و شدت این نیازها در افراد متفاوت است و ناهمخوانی بین میزان ارضای آنها باعث ایجاد مشکلاتی برای افراد می‌گردد (He and Jiang, 2021). همه افکارها، احساس‌ها، باورها و رفتارهای انسان در راستای ارضای یکی از پنج نیاز اساسی است و هر فردی برای ارضای آنها از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کند. ارضای مناسب نیازها باعث افزایش احساس کنترل و مدیریت خود و عدم توانمندی در این زمینه باعث احساس قربانی‌بودن و انجام رفتارهای نامعقول و ناهنجار می‌شود (Charki, Josserand and Boukef, 2017). ناکامی برای ارضای نیازهای اساسی یک تجربه عمومی و مشترک است، اما واکنش و رفتار انتخابی افراد به این ناکامی‌ها متفاوت می‌باشد و می‌توان به افراد آموزش داد که چگونه انتخاب‌های بهتری داشته باشند و کمتر دچار ناکامی شوند (Markman, 2018).

همچنین، آموزش فلسفه کندوکاو برای داشتن افرادی مسئول و دارای مهارت‌های اجتماعی، منطقی، علمی و اخلاقی ضروری است. چون که فلسفه کندوکاو به افراد کمک می‌کند تا اهداف خود را پیدا کرده و راه‌های رسیدن به آنها را یادگیرند (Hamidi, Iman Jomeh and Nami, 2020). فلسفه کندوکاو توسط Peirc (1975) برای بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی، درک اخلاقی و ارزش‌های هنری، یافتن معنا از تجربه‌های زندگی و رشد فردی و میان‌فردی طراحی (Akrami, Ghamarani and Aghalar, 2015) و آموزش فلسفه به کودکان توسط Lipman (1970) برای کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی طراحی شد تا آنان فرصتی برای فلسفیدن و کندوکاو به همکلاسی‌های خود داشته باشند (Cheraghzadeh, Kord Noghabi and Sohrabi, 2019). فلسفه گفتگویی با خود، دیگران و نوشته‌های فلسفی است که موجب می‌شود مفاهیم فلسفی در کودکان درونی و رفتارهای نامعقول و ناهنجار در آنها کاهش یابد (Kuntuova, Mazhidenova and Mendybayev, 2014). هدف اصلی آموزش فلسفه این است که به کودکان کمک کند تا بیاموزند چگونه فکر کنند و در این شیوه افراد به کاوشگرانی ماهر تبدیل می‌شوند. کاوشگر بودن مفهوم اصلی این شیوه آموزشی است و منظور از آن جستجوگری فعال و پرسشگری مکرر و داشتن هوشیاری دائمی برای مشاهده، فرضیه‌سازی، سنجش، آزمودن و تجربه کردن می‌باشد (Kibbi, 2012). آموزش فلسفه به‌عنوان یک روش موفق آموزش تفکر دارای هدف‌های شناختی روشنی است که ذهن را وادار به عمل می‌کند و این امر از طریق چالش‌ها، تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌شود (Gaunt and Osmar, 2019). این شیوه بر نقش مشارکتی و اجتماعی افراد در تولید علم تأکید و افراد را به قلمرو معنایی و معناسازی وارد و زیربنای پرورش تفکر را در آنها تقویت می‌کند (Yeom, Miller and Delp, 2018).

پژوهش‌هایی درباره اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو انجام شده که در ادامه نتایج مهم‌ترین آنها به‌طور خلاصه گزارش می‌شوند. نتایج پژوهش Zweidawi and Safarzadeh (2021) نشان داد که واقعیت‌درمانی گروهی مبتنی بر نظریه Glasser باعث بهبود بهزیستی اجتماعی، امید به زندگی و منبع کنترل درونی و بیرونی زنان مبتلا به اختلال وسواس شد. Zare and Namdarpour (2020) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش تئوری انتخاب باعث افزایش هوی هیجانی و مولفه‌های آن از جمله سازگاری، مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های بین‌فردی و خلق دختران نوجوان شد. در پژوهشی دیگر Javanmard and Khanekashi (2020) گزارش کردند که واقعیت‌درمانی گروهی مبتنی بر تئوری انتخاب باعث افزایش خودارزشمندی و کیفیت زندگی معلمان زن متأهل شد. Yadolahi Saber, Ebrahimi, Zamani and Sahebi (2019) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش تئوری انتخاب باعث افزایش مسئولیت‌پذیری و امیدواری دانشجویان دختر شد. همچنین، نتایج پژوهش Fatemi, Sadeghi and Shanhban (2021) نشان داد که برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی باعث افزایش شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شد. Isamorad Roudineh, Nafar and Fatemi (2020) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش همدلی و حل مساله اجتماعی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی شد. در پژوهشی دیگر Banisi, Shams Esfandabad and Emamipour (2018) گزارش کردند که آموزش فلسفه برای کودکان باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی، فراشناخت و تحمل ابهام در دانش‌آموزان دوره متوسطه شد.

کودکان کار یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که هر روزه گزارش‌هایی از آسیب‌های وارده بر آنها منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد که این کودکان از نظر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف‌دارای مشکلات زیادی باشند و در این زمینه پژوهش‌چندانی یافت نشد. همچنین، برای بهبود ویژگی‌های روانشناختی کودکان روش‌های زیادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما اثربخشی دو روش آموزش‌تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو کمتر مورد بررسی قرار گرفته و پژوهشی در این زمینه یافت نشد. در نتیجه، خلأهای بسیاری درباره موضوع پژوهش حاضر وجود دارد و بر همین اساس پژوهش بر روی این گروه با هدف طراحی برنامه‌هایی برای بهبود ویژگی‌های آنان بسیار ضروری و حیاتی می‌باشد. کار اجباری برای کودکان دارای پیامدهای منفی شناختی، اجتماعی و عاطفی است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش‌تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف کودکان کار انجام شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش کودکان کار شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰ بودند. تعداد ۴۵ نفر از کودکان کار با روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب و با روش تصادفی ساده با کمک قرعه‌کشی در سه گروه مساوی شامل گروه‌های آموزش‌تئوری انتخاب، آموزش فلسفه کندوکاو و کنترل گمارده شدند. در روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ها با توجه به ملاک‌هایی انتخاب می‌شوند که ملاک‌های ورود به مطالعه شامل رضایت جهت شرکت در مطالعه، سن ۱۲ تا ۱۴ سال، سابقه کار بیشتر از ۲ سال و عضو انجمن حمایت از کودکان کار سازمان بهزیستی شهرستان رشت و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل غیبت بیشتر از دو جلسه و انصراف از ادامه همکاری بود. مراحل اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا هماهنگی لازم با سازمان بهزیستی شهرستان رشت به عمل آمد و سپس لیست آنها که شامل ۱۲۰ نفر بود، تهیه و تعداد ۴۵ نفر از آنها که دارای ملاک‌های ورود به مطالعه بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌ها به روش تصادفی به سه گروه ۱۵ نفری تقسیم و گروه اول به‌عنوان گروه آموزش‌تئوری انتخاب، گروه دوم به‌عنوان گروه آموزش فلسفه کندوکاو و گروه سوم به‌عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. برای گروه‌ها اهمیت و ضرورت پژوهش تشریح و تفسیر شد. گروه آزمایش اول ۸ جلسه تحت آموزش‌تئوری انتخاب و گروه آزمایش دوم ۱۰ جلسه تحت آموزش فلسفه کندوکاو قرار گرفت و گروه کنترل آموزشی ندید. هر سه گروه چند روز قبل از اجرای مداخله در گروه‌های آزمایش و چند روز پس از اجرای مداخله در گروه‌های آزمایش از نظر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند. محتوی آموزش‌تئوری انتخاب به‌تفکیک جلسات در جدول ۱ ارائه شد.

جدول ۱. محتوی آموزش‌تئوری انتخاب به‌تفکیک جلسات

جلسه	محتوی
۱	آشنایی اعضا با یکدیگر، بیان قواعد آموزش‌گروهی و هدف آموزش و مدت جلسات، مفهوم‌سازی اولیه و جمع‌بندی
۲	آموزش مفاهیم اصلی تئوری انتخاب، معرفی رفتارها و ویژگی‌های تئوری انتخاب و آموزش ۴ مولفه رفتاری
۳	خلاصه جلسه پیشین، آشنایی با نیازها و چرایی صدور رفتار، انواع هویت و شناخت هویت موفق و غیرموفق، آشنایی با روند شکل‌گیری هویت موفق و غیرموفق و جمع‌بندی
۴	خلاصه جلسه‌های پیشین، اهمیت زمان حال و اهمیت انتخاب، بررسی دو نوع هویت در قالب زمانی، کاربردی کردن مفاهیم و جمع‌بندی
۵	خلاصه جلسه‌های پیشین، تبیین انواع واکنش به ناکامی، تعارضات و توقف رشد، تبیین اشکال به‌کارگیری مفاهیم در زندگی روزمره و جمع‌بندی
۶	مرور جلسه‌های قبل، آشنایی با هیجان‌ها از دیدگاه تئوری انتخاب، تبیین چگونگی کنترل و تنظیم هیجان‌ها و جمع‌بندی
۷	مرور جلسه‌های قبل، اهمیت پذیرش مسئولیت در قبال رفتار در روند رشد، معرفی رفتارهای تخریب‌گر و سازنده در روابط درون‌فردی و میان‌فردی و جمع‌بندی
۸	مرور جلسه‌های قبل، کاربردی کردن مفاهیم با تأکید بر مسئولیت‌پذیری، اهمیت انتخاب و زمان حال برای ارضای نیازها در قالب هویت موفق و مرور و جمع‌بندی همه جلسه‌ها

همچنین، در آموزش فلسفه کندوکاو ابتدا داستان توسط پژوهشگر بازنگری و با توجه به کمبود فضای کلاس، امکان دایره‌وار نشستن کودکان به‌صورت حلقه‌ای فراهم و هر دانش‌آموز روی نیمکت خود نشست. قبل از شروع داستان، پژوهشگر با مشارکت تمامی کودکان مقرراتی مانند رعایت سکوت، نوبت و

غیره وضع تا همه کودکان آن را رعایت کنند. سپس پژوهشگر از آنها خواست تا برگه و مدادی آماده کرده تا موقع شنیدن داستان اگر سوالی برای آنها به وجود آمد، یادداشت کنند. در مرحله بعد پژوهشگر شروع به خواندن داستان کرد و بعد از اتمام آن سوالها به ترتیب و با رعایت نوبت پرسیده شد و راجع به آن بحث شد. پژوهشگر هدایت بحث را بر عهده گرفت تا کودکان از چارچوب خارج نشوند و کودکانی که بیشترین و بهترین مشارکت و پاسخدهی را داشتن مورد تشویق قرار گرفتند. بنابراین، عناوین داستانها و محتوی آموزش فلسفه کندوکاو به تفکیک جلسات در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. محتوی آموزش فلسفه کندوکاو به تفکیک جلسات

جلسه	عنوان داستان	محتوی
۱	لانه پرنده	آموزش رعایت احساسهای دیگران، احترام به نظر دیگران، مقایسه اعمال دیگران و وجود اختلاف نظر
۲	چاقو	آموزش درست و نادرست، حقیقت‌گویی، دوستی، تفکر و احساس، عدالت، رعایت قوانین و مسئولیت‌پذیری
۳	لیندا و کلار	آموزش درک احساسها، جفت‌های مکمل، مقایسه، تشخیص، متضادها و درک دوستی
۴	بدخلقی	آموزش کنترل رفتار خود، برقراری ارتباط، توجه به حالات و عواطف دیگران و قضاوت
۵	ستاره دریایی	آموزش دسته‌بندی و طبقه‌بندی، استدلال کردن، تفکر درباره امور و توانایی تشخیص
۶	دعوا	آموزش انصاف، مدیریت خسونت و دعوا، تأمل کردن، قول دادن و رعایت آداب
۷	قارچ	آموزش تنگناهای اخلاقی، انتخاب و تصمیم‌گیری همدلی، همدردی، شجاعت، انجام وظایف، استدلال و توجه به حیوانات
۸	بال‌دار	آموزش دوست‌یابی، عدم دروغ‌گویی و راست‌گویی، مسئولیت‌پذیری، توجیه‌ها، عدم جر و بحث و درک اهمیت خانواده
۹	خیابان سیزدهم	آموزش نقش جامعه، عدالت، قانون، حقوق دیگران، تبعیض و شهامت
۱۰	موش و قورباغه	آموزش دوستی، تصمیم‌گیری، پذیرش عواقب کار و استدلال مناسب

ابزارهای پژوهش حاضر شامل پرسشنامه‌های کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف بودند که در ادامه تشریح می‌شوند.

پرسشنامه کفایت اجتماعی: این پرسشنامه توسط Felner (2002) با ۴۷ گویه طراحی و برای پاسخگویی به هر گویه از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۷= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره پرسشنامه کفایت اجتماعی با مجموع نمره گویه‌ها به دست می‌آید و نمره بالاتر به معنای کفایت اجتماعی بیشتر می‌باشد. آنان روایی پرسشنامه را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را با روش‌های آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و بازآزمایی یک ماهه ۰/۸۹ گزارش کردند. در ایران، Dasht Bozorgi and Shamshirgaran (2018) پایایی پرسشنامه کفایت اجتماعی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ گزارش کردند. در این مطالعه پایایی پرسشنامه مذکور با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه شد.

پرسشنامه جهت‌گیری هدف: این پرسشنامه توسط Midgley, Kaplan, Middleton and Maher (1989) با ۴۷ گویه و ۴ مولفه تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی، عملکردی گرایشی و عملکردی اجتنابی طراحی و برای پاسخگویی به هر گویه از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۷= کاملاً موافقم) استفاده شد. نمره هر مولفه پرسشنامه جهت‌گیری هدف با مجموع نمره گویه‌های آن مولفه به دست می‌آید و نمره بالاتر به معنای بیشتر داشتن آن ویژگی یا جهت‌گیری هدفی می‌باشد. آنان روایی پرسشنامه را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۸۴ گزارش کردند. در ایران، Hassannia, Sheikholeslami and Pordal (2019) پایایی مولفه‌های پرسشنامه جهت‌گیری هدف را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۶ تا ۰/۸۶ گزارش کردند. در این مطالعه پایایی مولفه‌های پرسشنامه مذکور با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ محاسبه شد.

داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌های کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف با روش‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری و آزمون تعقیبی بونفرونی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها

در هر یک از گروه‌های آزمایش آموزش تئوری انتخاب و آموزش فلسفه کندوکاو تعداد ۵ نفر ریزش وجود داشت و این تعداد ریزش به دلیل شیوع کووید-۱۹ در زمان اجرای پژوهش غیرمنطقی نیست. بنابراین، ۵ نفر از گروه کنترل نیز از پژوهش حذف و تحلیل‌ها برای سه گروه ۱۰ نفری انجام شد. نتایج میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون و پس‌آزمون کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف به تفکیک گروه‌ها در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. نتایج میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون و پس‌آزمون کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف به تفکیک گروه‌ها

متغیر	مرحله	گروه آموزش تئوری انتخاب Mean±SD	گروه آموزش فلسفه کندوکاو Mean±SD	گروه کنترل Mean±SD
کفایت اجتماعی	پیش‌آزمون	۶۶/۸۰±۷/۴۰	۷۳/۶۰±۷/۴۲	۶۹/۱۰±۷/۵۰
	پس‌آزمون	۷۹/۶۰±۶/۳۶	۸۲/۲۰±۶/۰۰	۷۱/۳۰±۶/۳۳
جهت‌گیری هدف تسلطی گرایشی	پیش‌آزمون	۸/۳۰±۱/۸۸	۱۰/۲۰±۲/۶۱	۱۰/۴۰±۲/۵۹
	پس‌آزمون	۱۳/۳۰±۱/۹۴	۱۴/۱۰±۱/۴۴	۱۰/۸۰±۱/۸۷
جهت‌گیری هدف تسلطی اجتنابی	پیش‌آزمون	۱۳/۲۰±۳/۳۹	۱۴/۱۰±۱/۴۴	۱۲/۹۰±۲/۵۵
	پس‌آزمون	۱۵/۹۰±۲/۳۳	۱۵/۴۰±۱/۹۵	۱۲/۵۰±۳/۴۷
جهت‌گیری هدف عملکردی گرایشی	پیش‌آزمون	۱۱/۸۰±۲/۲۹	۱۳/۷۰±۱/۷۰	۱۲/۸۰±۲/۰۹
	پس‌آزمون	۱۴/۸۲±۲/۲۹	۱۴/۸۰±۱/۶۱	۱۲/۱۰±۱/۲۸
جهت‌گیری هدف عملکردی اجتنابی	پیش‌آزمون	۱۲/۱۰±۱/۷۹	۱۲/۴۰±۱/۷۱	۱۲/۱۰±۱/۲۸
	پس‌آزمون	۱۱/۴۰±۱/۷۰	۱۲/۴۰±۲/۱۷	۱۱/۶۰±۱/۱۷

بررسی پیش‌فرض‌های روش‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری نشان داد که فرض نرمال بودن متغیرهای کفایت اجتماعی و مولفه‌های جهت‌گیری هدف در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر اساس معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ در آزمون شاپیرو-ویلک تایید شد. همچنین، فرض برابری واریانس‌های متغیرهای کفایت اجتماعی و مولفه‌های جهت‌گیری هدف بر اساس معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ در آزمون لون تایید شد. علاوه بر آن، فرض برابری ماتریس‌های واریانس-کوواریانس برای مولفه‌های جهت‌گیری هدف بر اساس معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ در آزمون ام‌باکس تایید شد. در نتیجه، شرایط استفاده از روش‌های تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری وجود داشت. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای تعیین اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی کودکان کار در جدول ۴ ارائه شد.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای تعیین اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی کودکان کار

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معناداری	اندازه اثر	توان
گروه	۴۳۴/۸۴	۲	۲۱۷/۴۲	۸/۴۰	۰/۰۱۸	۰/۵۵	۰/۹۴
خطا	۶۲۰/۶۳	۲۴	۲۵/۸۶				

بر اساس نتایج جدول ۴، بین گروه‌های آموزش تئوری انتخاب، فلسفه کندوکاو و گروه کنترل از نظر کفایت اجتماعی در کودکان کار تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه اثربخشی روش‌های مداخله بر کفایت اجتماعی کودکان کار در جدول ۵ ارائه شد.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه اثربخشی روش‌های مداخله بر کفایت اجتماعی کودکان کار

گروه‌ها	اختلاف میانگین	معناداری
آموزش تئوری انتخاب	آموزش فلسفه کندوکاو	۰/۰۹
آموزش تئوری انتخاب	کنترل	۸/۹۵
آموزش فلسفه کندوکاو	کنترل	۹/۰۴

بر اساس نتایج جدول ۵، آموزش در هر دو گروه آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش کفایت اجتماعی در کودکان کار شدند ($P < 0/001$)، اما بین گروه‌های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو از نظر کفایت اجتماعی تفاوت معناداری وجود داشت ($P > 0/05$). نتایج آزمون لامبدای ویلکز از مجموعه آزمون‌های چندمتغیری نشان داد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل از نظر یکی از مولفه‌های جهت‌گیری هدف تفاوت معنی‌داری وجود داشت. به عبارت دیگر، آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو حداقل باعث تغییر معنادار یکی از مولفه‌های جهت‌گیری

هدف شامل جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی، عملکردی گرایشی و عملکردی اجتنابی در کودکان کار شد ($F=35/68, P<0/001$). نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای تعیین اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر جهت گیری هدف کودکان کار در جدول ۶ ارائه شد.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای تعیین اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر جهت گیری هدف کودکان کار

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	معناداری	اندازه اثر	توان
جهت گیری هدف تسلطی گرایشی	۴۳۴/۸۴	۲	۷۵۱/۷۷	۲۳۱/۲۹	<0/001	0/090	0/89
جهت گیری هدف تسلطی اجتنابی	۱۷۰۲/۲۴	۲	۸۵۱/۱۲	۱۴۳/۸۶	<0/001	0/85	0/88
جهت گیری هدف عملکردی گرایشی	۱۷۹۱/۴۰	۲	۸۹۵/۷۰	۳۸۱/۱۲	<0/001	0/94	0/89
جهت گیری هدف عملکردی اجتنابی	۱۲۶۵/۲۸	۲	۶۳۲/۶۴	۱۳۲/۰۷	0/062	0/84	0/15

بر اساس نتایج جدول ۶، بین گروه‌های آموزش تئوری انتخاب، فلسفه کندوکاو و گروه کنترل از نظر جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی اجتنابی در کودکان کار تفاوت معناداری وجود داشت ($P<0/05$)، اما بین آنها از نظر جهت گیری هدف عملکردی اجتنابی تفاوت معناداری وجود نداشت ($P>0/05$). نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه اثربخشی روش‌های مداخله بر جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی اجتنابی کودکان کار در جدول ۷ ارائه شد.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه اثربخشی روش‌های مداخله بر جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی اجتنابی کودکان کار

متغیرها	گروه‌ها	اختلاف میانگین	معناداری
جهت گیری هدف تسلطی گرایشی	آموزش تئوری انتخاب	آموزش فلسفه کندوکاو	-0/45
	آموزش تئوری انتخاب	کنترل	2/59
	آموزش فلسفه کندوکاو	کنترل	3/04
جهت گیری هدف تسلطی اجتنابی	آموزش تئوری انتخاب	آموزش فلسفه کندوکاو	1/82
	آموزش تئوری انتخاب	کنترل	4/17
	آموزش فلسفه کندوکاو	کنترل	2/34
جهت گیری هدف عملکردی گرایشی	آموزش تئوری انتخاب	آموزش فلسفه کندوکاو	-0/09
	آموزش تئوری انتخاب	کنترل	2/26
	آموزش فلسفه کندوکاو	کنترل	2/36

بر اساس نتایج جدول ۷، آموزش در هر دو گروه آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی گرایشی در کودکان کار شدند ($P<0/05$)، اما بین گروه‌های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو از نظر هیچ یک از متغیرهای مذکور تفاوت معناداری وجود داشت ($P>0/05$).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر کفایت اجتماعی و جهت گیری هدف کودکان کار انجام شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آموزش تئوری انتخاب در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش کفایت اجتماعی و جهت گیری هدف تسلطی گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی گرایشی در کودکان کار شد، اما تاثیر معناداری بر جهت گیری هدف عملکردی اجتنابی در آنان نداشت. یافته‌های این مطالعه در زمینه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب از جهاتی همسو با یافته‌های مطالعه‌های Zweidawi and Safarzadeh (2021) و Zare and Namdarpour (2021).

(2020)، Javanmard and Khanekashi (2020) و Yadolahi Saber et al (2019) بود. در تبیین یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت که آموزش تئوری انتخاب با کمک به افراد در تسلط و کنترل رفتار و انتخاب‌های افراد می‌تواند منجر به کاهش عواطف منفی و افزایش احساس انگیزه و هدفمندی و باور به اینکه زندگی قابلیت کنترل دارد، شود. این امر سبب می‌شود که افراد ارزیابی‌هایی که درباره خود دارند مثبت شود و برای موفقیت در زندگی خود و داشتن هویت موفق تلاش بیشتری خواهند کرد. همچنین، مطابق با دیدگاه تئوری انتخاب می‌توان از طریق بازبینی تصاویر دنیای مطلوب و حذف عوامل برهم‌زننده آرامش و قراردادن آنچه که می‌تواند موجب خشنودی و رضایت فرد شود، میزان کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف را بهبود بخشید. این روش آموزشی با تمرکز بر خود به‌عنوان محور اصلی در آموزش و نیز با تاکید بر نیازهای اساسی پنج‌گانه شامل نیاز به عشق و تعلق، آزادی، قدرت، تفریح و بقا و توصیه‌هایی برای ایفای نقش مربی در مثلث قربانی، آزارگر و مربی بر ارزشمندی و بهبود سلامت و کیفیت زندگی اثرگذار است. افزون بر آن، بر اساس تئوری انتخاب دوست داشتن و دوست داشته شدن در اجتماع از نیازهای اساسی است و مراجع در طول آموزش مسئولیت هر عاملی که او را از اجتماع دور می‌کند، پذیرفته و با واقعیت روبرو می‌شود و از این طریق به اجتماع بازمی‌گردد. این شیوه آموزشی به افراد آموزش می‌دهد که چگونه کنترل و مدیریت مسائل و هیجان‌ها، آگاهی از نیازهای واقعی در ارتباط با دیگران و چگونگی ارضای مناسب نیازها را به‌دست آورد. در نتیجه، منطقی است که آموزش تئوری انتخاب بتواند سبب بهبود کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف تسلطی‌گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی‌گرایشی در کودکان کار شود.

یافته‌های دیگر این مطالعه نشان داد که آموزش فلسفه کندوکاو در مقایسه با گروه کنترل باعث افزایش کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف تسلطی‌گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی‌گرایشی در کودکان کار شد، اما تاثیر معناداری بر جهت‌گیری هدف عملکردی اجتنابی در آنان نداشت. یافته‌های این مطالعه در زمینه اثربخشی آموزش فلسفه کندوکاو از جهاتی همسو با یافته‌های مطالعه‌های (Fatemi et al (2021)، (Isamorad Roudineh et al (2020) و Banisi et al (2018) بود. در تبیین یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت که آموزش فلسفه به کودکان به معنای تعلیم اطلاعات انباشته فلسفی نیست، بلکه آموزش تفکر انتقادی می‌باشد و امروزه این برنامه در بسیاری از کشورها رایج شده است. روش اصلی مورد استفاده از آموزش فلسفه کندوکاو استفاده از داستان‌ها در حلقه‌های متشکل از کودکان و معلمان است و حلقه کندوکاو علاوه بر ایجاد مشارکت و تعامل متقابل بین افراد، در بین شرکت‌کنندگان حس همدلی و احترام ایجاد می‌کند و قدرت گوش‌دادن فعال را افزایش می‌دهد و افراد آزادانه نظرهای خود را بیان می‌کنند. همچنین، آموزش فلسفه کندوکاو باعث تقویت قدرت تفکر، مهارت‌های شناختی و فراشناختی، تصویرسازی ذهنی، تقویت حواس و بهبود تفکر انتقادی و خلاق در افراد می‌شود و کندوکاو فرصتی برای تفکر و تعمق جمعی و فضایی برای اندیشیدن، پرسیدن، جستجو کردن و بررسی راه‌های ممکن فراهم می‌کند. علاوه بر آن، این روش به پرورش قدرت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان می‌پردازد، فرصت کاوشگری جذاب پیرامون موضوعاتی که ذهن کودک را درگیر ساخته فراهم می‌آورد، منجر به تفکر تأملی، تفکر مشارکتی، احساس کفایت در تولید و پرورش ایده‌ها و مسئولیت‌پذیری می‌شود و زمینه را برای کاهش احساس‌ها و هیجان‌های منفی از جمله احساس حقارت مهیا می‌سازد. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که آموزش فلسفه کندوکاو نقش موثری در بهبود کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف تسلطی‌گرایشی، تسلطی اجتنابی و عملکردی‌گرایشی در کودکان کار داشته باشد.

دیگر یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین روش‌های آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو از نظر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف شامل تسلطی‌گرایشی، تسلطی اجتنابی، عملکردی‌گرایشی و عملکردی اجتنابی در کودکان کار تفاوت معناداری وجود نداشت. پژوهشی درباره مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو یافت نشد، اما در تبیین عدم تفاوت معناداری بین اثربخشی آنها بر کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف در کودکان کار می‌توان گفت که کودکان کار در بسیاری از جنبه‌های رشد و تحول به‌ویژه کفایت اجتماعی مشکلاتی دارند و بر همین اساس در جهت‌گیری هدف دچار ضعف و کاستی می‌باشند. بنابراین، کودکان کار در مقایسه با دیگران چالش‌های بیشتری را تجربه می‌کنند و بسیاری اوقات عامل اصلی مشکلات و چالش‌های آنها در برقراری ارتباط موثر و انطباق با محیط پیرامونی و استفاده نادرست از مهارت‌ها است که در آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو به آنها توجه ویژه‌ای شده است. شاید بتوان گفت که بخش عمده‌ای از مشکلات و چالش‌های کودکان کار که منجر به خودناتوان‌سازی در آنان می‌شود، مربوط به عملکرد و رفتار در زندگی شخصی و اجتماعی آنها است. افزون بر آن در آموزش تئوری انتخاب تاکید بر شناسایی توانایی‌های کودکان کار به خودشان بود تا خود را فردی ارزشمند و اثرگذار بر محیط بدانند و بتوانند در تمام ابعاد زندگی خود موفق باشند و این روش مداخله بر قبول مسئولیت، برنامه‌ریزی برای ارضای نیازهای اساسی روانشناختی و نیل به هویت موفق تمرکز دارد. همچنین، آموزش فلسفه کندوکاو برای کودکان برنامه‌ای است که با تاکید بر گفتگو با همسالان و مباحثه هوشیارانه باعث پیامدهای مثبت از جمله هوشیاری آگاهانه‌تر برای کودکان کار می‌شود. با توجه به مطالب مطرح‌شده و استفاده هر دو روش آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو از راهکارها و راهبردهای کارآمد و کاربردی می‌توان انتظار داشت که هر دو روش باعث بهبود کفایت اجتماعی و جهت‌گیری هدف در کودکان کار شوند و بین آنها تفاوت معناداری وجود نداشته باشد.

در این مطالعه متغیرهایی مانند عملکرد تحصیلی، هوش و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کنترل نشد. با توجه به دوران همه‌گیری کووید-۱۹ در زمان اجرای پژوهش تعدادی از کودکان کار نتوانستند در پژوهش شرکت نمایند و همان اول انصراف خود را اعلام کردند. همچنین، با توجه به شرایط خاص این دوران، نمونه‌های زیادی در حین مداخله ریزش کردند و امکان دوره پیگیری میسر نشد. بنابراین، بر اساس محدودیت‌ها کنترل کردن متغیرهایی مانند هوش و وضعیت اقتصادی و اجتماعی و دیگر متغیرها برای انجام پژوهش پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد دیگر برای انجام مداخله در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ استفاده از آموزش‌های آنلاین است که آن نیز برای کودکان کار به دلیل مشکلات مالی و نداشتن گوشی‌های به‌روز و اینترنت با چالش‌های فراوانی مواجه است. پیشنهاد دیگر اینکه در صورت امکان نتایج اثربخشی روش‌های مداخله مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان با دقت و اطمینان درباره پایداری نتایج مداخله صحبت کرد. با توجه به اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو برای کودکان کار به مدیران و مسئولان سازمان‌ها و موسسه‌های حمایتی پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی با عنوان تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو را در برنامه‌های آموزشی خود بگنجانند. پیشنهاد دیگر برگزاری چنین برنامه‌هایی برای والدین یا کسانی که با این کودکان سروکار دارند مانند معلمان و مربیان سازمان و مراکز بهزیستی می‌باشد. همچنین، به مدیران مدارس، سازمان‌ها و موسسه‌های حمایت از کودکان پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان کتاب‌های مربوط به آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو را تهیه و آنها را در کتابخانه قرار دهند تا همه کودکان به‌ویژه کودکان آسیب‌پذیر مانند کودکان کار از آنها استفاده نمایند.

تقدیر و تشکر

این مطالعه دارای کد اخلاق با شناسه IR.IAU.RASHT.REC.1400.019 از کمیته اخلاق در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت بود و بدین‌وسیله از کودکان کار شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و همه کسانی که به نحوی در انجام این مطالعه سهیم بودند، تشکر می‌شود.

References

- Akrami L, Ghamarani A, Aghalar S. (2015). A study on the effects of teaching philosophy with community of inquiry method on questioning and attitude to creativity to the blind students. *Quarterly Journal of Innovation and Creativity in Human Sciences*, 4(4): 71-88. (In Persian)
- Banisi P, Shams Esfandabad H, Emamipour S. (2018). The impact of philosophy for children on social skills, metacognition and tolerance of ambiguity in the junior high school students. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 1(9): 163-178.
- Begjani J, Khoshnavay Fomani F, Mohseni L, Rostami M. (2022). Investigating the effect of implementing self-esteem promotion program on academic performance in child labors. *Iranian Journal of Nursing Research*, 17(1): 76-86. (In Persian)
- Broda A, Kruger J, Schinke S, Weber A. (2018). Determinants of choice of delivery place: Testing rational choice theory and habitus theory. *Midwifery*, 63: 33-38.
- Caceres I, Moreno C, Roman M, Palacios J. (2021). The social competence of internationally-adopted and institutionalized children throughout childhood: a comparative and longitudinal study. *Early Childhood Research Quarterly*, 57: 260-270.
- Caprin C, Benedan L, Ballarin L, Gallace A. (2017). Social competence in Russian post-institutionalized children: A comparison of adopted and non-adopted children. *Children and Youth Services Review*, 75: 61-68.
- Charki MH, Josserand E, Boukef N. (2017). The paradoxical effects of legal intervention over unethical information technology use: A rational choice theory perspective. *The Journal of Strategic Information Systems*, 26(1): 58-76.
- Chen HL, Lin YL. (2018). Goal orientations, leader-leader exchange, trust, and the outcomes of project performance. *International Journal of Project Management*, 36(5): 716-729.
- Cheraghzadeh M, Kord Noghabi R, Sohrabi Z. (2019). The effectiveness of training philosophy to children on the feeling of loneliness and disappointment of students. *Tafakkor va Kudak (Thinking and Children)*, 10(1): 37-50. (In Persian)
- Chiu WH. (2019). Comparative statics in an ordinal theory of choice under risk. *Mathematical Social Sciences*, 101: 113-123.
- Churchill SA, Iqbal N, Nawaz S, Yew SL. (2021). Unconditional cash transfers, child labour and education: theory and evidence. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 186: 437-457.
- Dasht Bozorgi Z, Shamshirgaran M. (2018). Effectiveness of positive training on social competence and health hardiness in nurses. *Positive Psychology Research*, 4(2): 13-24. (In Persian)
- Deneault AA, Cabrera N, Ghosh RA, Tolle AS, Seethaler J, Majdandzic M, Reich SM. (2022). Challenging parenting behavior in ethnically diverse two-parent families in the United States: Association with infants' social competence and behavior problems. *Early Childhood Research Quarterly*, 58: 115-124.
- Fatemi FS, Sadeghi R, Shanhban H. (2021). The effectiveness of the combined training of philosophy for children and empathy program on students' social competence. *Tafakkor va Kudak (Thinking and Children)*, 11(2): 211-229. (In Persian)
- Felner B. (2002). *Social confidence in interpersonal situation*. New York: McGraw Hill Press.
- Figueiredo E, Lima LR. (2022). Unintended consequences of trade integration on child labor. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 194: 523-541.
- Fumagalli R. (2020). How thin rational choice theory explains choices. *Studies in History and Philosophy of Science Part A*. 83: 63-74.
- Gaunt H, Osmar K. (2019). Student-centred learning for patient-centred care: Development and application of a provincial clinical teaching philosophy. *Journal of Medical Imaging and Radiation Sciences*, 50(2): 15-16.
- George SV, Richardson PW. (2019). Teachers' goal orientations as predictors of their self-reported classroom behaviours: An achievement goal theoretical perspective. *International Journal of Educational Research*, 98: 345-355.
- Hamidi F, Iman Jomeh MR, Nami A. (2020). The effect of teaching philosophy on the development of care thinking of elementary students. *Journal of New Thoughts in Education*, 16(3): 69-88. (In Persian)
- Hassannia S, Sheikholeslami R, Pordal M. (2019). The mediating role of goal orientation on the causal relationship between dimensions of perfectionism and test anxiety. *Journal of Instruction and Evaluation*, 11(44): 55-77. (In Persian)
- He XD, Jiang Z. (2021). Optimal payoff under the generalized dual theory of choice. *Operations Research Letters*, 49(3): 372-376.
- Humberto M, Moura F, Giannotti M. (2022). Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behaviour and Society*, 26: 168-177.

- Isamorad Roudineh A, Nafar Z, Fatemi FS. (2020). The effectiveness of teaching philosophy on children on empathy and solving social problems elementary school students. *Clinical Psychology Studies*, 9(36): 117-134. (In Persian)
- Janke S, Dickhauser O. (2019). Different major, different goals: University students studying economics differ in life aspirations and achievement goal orientations from social science students. *Learning and Individual Differences*, 73: 138-146.
- Javanmard M, Khanekashi A. (2020). The effectiveness of group reality therapy based on the theory of choice on self-esteem and quality of life of female married teachers. *Journal of Woman & Study of Family*, 13(48): 91-103. (In Persian)
- Kibbi AG. (2012). Teaching philosophy: More than two decades of experience. *Journal of the Saudi Society of Dermatology & Dermatologic Surgery*, 16(1): 3-4.
- Kuntuova I, Mazhidenova R, Mendybayev S. (2014). Methods of teaching philosophy in technical higher educational institutions. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 112: 898-906.
- Lecce S, Caputi M, Pagnin A, Banerjee R. (2017). Theory of mind and school achievement: The mediating role of social competence. *Cognitive Development*, 44: 85-97.
- Leung CNW, Chan RWS, Fan JTC, Lam CHY, Yau SSW. (2019). IQ profiling, autistic traits and social competence in Chinese adults with high-functioning ASD: A comparison between self- and parent-report. *The European Journal of Psychiatry*, 33(1): 24-31.
- Liu S, Liu M. (2020). The impact of learner metacognition and goal orientation on problem-solving in a serious game environment. *Computers in Human Behavior*, 102: 151-165.
- Mammassis CS, Kostopoulos KC. (2019). CEO goal orientations, environmental dynamism and organizational ambidexterity: An investigation in SMEs. *European Management Journal*, 37(5): 577-588.
- Markman AB. (2018). Combining the strengths of naturalistic and laboratory decision-making research to create integrative theories of choice. *Journal of Applied Research in Memory and Cognition*, 7(1): 1-10.
- Martin JW, Sloman SA. (2013). Refining the dual-system theory of choice. *Journal of Consumer Psychology*, 23(4): 552-555.
- Midgley C, Kaplan A, Middleton M, Maher ML. (1989). The development and validation of scales assessing student's achievement goal orientation. *Contemporary Educational Psychology*, 23: 113-131.
- Okano L, Jeon L, Crandall A, Powell T, Riley A. (2019). Developmental cascades of social competence, achievement in school, and achievement on standardized assessments during the transition to adolescence and secondary school. *Journal of Adolescence*, 74: 91-102.
- Shamim S, Cang S, Yu H. (2017). Supervisory orientation, employee goal orientation, and knowledge management among front line hotel employees. *International Journal of Hospitality Management*, 62: 21-32.
- Tang C, Zhao Z. (2023). Informal institution meets child development: Clan culture and child labor in China. *Journal of Comparative Economics*, 51(1): 277-294.
- Yadolahi Saber F, Ebrahimi ME, Zamani N, Sahebi A. (2019). The effect of choice theory training on responsibility and hopefulness of female students Islamic Azad University Hamedan. *Social Cognition*, 8(1): 165-174. (In Persian)
- Yeom Y, Miller MA, Delp R. (2018). Constructing a teaching philosophy: Aligning beliefs, theories, and practice. *Teaching and Learning in Nursing*, 13(3): 131-134.
- Zare F, Namdarpour F. (2020). Effectiveness of choice theory training on adolescent girls' emotional intelligence. *Journal of Research Behavioral Sciences*, 18(1): 40-47. (In Persian)
- Zweidawi J, Safarzadeh S. (2021). Effectiveness of group reality therapy on social well-being, life expectancy and locus of control in women with obsessive-compulsive disorder. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 8(6): 106-117. (In Persian)